



سخنی گفتن، تذکر، سخن تند و مانند این‌ها، می‌توان سود جست. این نکته‌ی ظریفی است که اگر مرتبه‌ای لطیف‌تر نتیجه می‌دهد، استفاده از مراتب شدیدتر جایز نیست. تنبیه به هیچ وجه نباید برای ارضای خود یا انتقام صورت بگیرد.

۵۰ شخصی که تنبیه می‌شود، باید نسبت به موضوع توجیه باشد و بداند که چرا تنبیه می‌شود. اگر تنبیه از تأیید درونی فرد برخوردار باشد، تأثیر بیدارکننده و بازدارنده‌ی بیشتری خواهد داشت. تنها تنبیه سنجیده و حساب شده که برخاسته از محبت و خیرخواهی است، می‌تواند اثرگذار باشد. نقل شده است، کسی نزد امام **کاظم(ع)** از رفتار فرزند خود شکایت کرد. حضرت به آن شخص فرمود: «فرزندت را تنبیه بدنی مکن، با او قهر کن؛ ولی قهرت طولانی نباشد.»

تشویق و تنبیه، انگیزش و معلم

۵۱ تیپ شخصیتی معلم و سبک او در اداره‌ی کلاس، در جریان انگیزش بسیار تأثیرگذار است. یکی از نقش‌های معلم در کلاس، رهبری است. هر زمان یک گروه تشکیل می‌شود، وجود رهبر ضروری است. در جمع کلاس، رهبری به‌عهده‌ی معلم است. سبک‌های گوناگونی برای رهبری کلاس وجود دارد:

- **سبک اقتدار گرایانه:** در این سبک معلم هم به روابط انسانی میان اعضای گروه احترام می‌گذارد و هم به ضوابط قانونی متکی است.
 - **سبک مستبدانه:** کلاس با روش تحکم‌آمیز اداره می‌شود. تنها معلم است که بر کل کلاس حکومت می‌کند و دانش‌آموزان حق ابراز وجود ندارند.
 - **سبک آزادگذار:** قاعده و ضابطه‌ی خاصی بر رفتار دانش‌آموزان حاکم نیست و هر کس به هر طریقی که دلش بخواهد رفتار می‌کند.
- عده‌ای معتقدند بهترین سبک اداره‌ی کلاس، «اقتدار گرایانه» است. البته تعیین سبک اداره‌ی کلاس

به موقعیت‌ها و شرایط نیز بستگی دارد و همه‌ی معلمان لزوماً نمی‌توانند از یک سبک واحد استفاده کنند. گاهی هم سبک معلم در اداره‌ی کلاس، ترکیبی از سبک‌های متفاوت است. در هر حال، سبک اداره‌ی کلاس نقش تعیین‌کننده‌ای در روش‌های انگیزشی معلم دارد و بر همین اساس است که شیوه‌های تشویقی یا تنبیهی معلم شکل می‌گیرد.

۵۲ در روش‌های آموزشی «معلم‌محور» که در آن‌ها، فعالیت‌های آموزش و یادگیری عمدتاً به وسیله‌ی معلم هدایت می‌شوند، همه‌چیز به معلم متکی است. در مقابل، معلمانی که با روش‌های «یادگیرنده‌محور» آموزش می‌دهند، چندان نگران مشکلات کلاس‌داری و حفظ انضباط نیستند. اگرچه در هر دو نوع روش آموزشی رعایت اصول کلاس‌داری و وضع معیارهایی برای رفتارهای دانش‌آموزان لازم است، اما در روش‌های یادگیرنده‌محور شرایط انگیزشی مساعدتر است.

۵۳ با وجود تأکید بر انگیزش درونی، آشنایی معلم با برخی از مفاهیم و روش‌های رفتارگرایی می‌تواند بسیار مفید و کارگشا باشد.

اگر معلم قصد دارد رفتارهای مطلوب موجود را تقویت کند یا نیرومندی آن‌ها را افزایش دهد، بهتر است با مفاهیم تقویت مثبت و تقویت منفی آشنا باشد. معلمی که به تکالیف دانش‌آموزان ستاره می‌دهد، از روش تقویت مثبت استفاده می‌کند و معلمی که دانش‌آموزان را با نوشتن حجم مشخصی از تکالیف، از تکالیف دیگر معاف می‌سازد، روش تقویت منفی را مورد استفاده قرار داده است؛ اگرچه نتیجه‌ی اعمال هر دو روش، افزایش نیرومندی رفتار است.

۵۴ وقتی روش‌های انگیزشی مبتنی بر رفتارگرایی در مدارس رواج دارند، انتظار می‌رود که مجریان آن‌ها حداقل با اصول کار آشنا باشند. یکی از این اصول، روش‌های حفظ رفتارهای مطلوب است. وقتی به دانش‌آموزان کارت جایزه یا ستاره می‌دهیم، در وهله‌ی اول هدف، تقویت رفتار است. اما در مرحله‌ی بعد این هدف باید به حفظ رفتار تغییر یابد. دانش‌آموزی را عادت می‌دهیم که برای هر نمره‌ی عالی،



امتیازی دریافت کند. این کار تا کی باید ادامه یابد؟ استمرار همراهی نمره‌ی عالی یا ۲۰ با امتیاز (کارت یا ستاره)، موجب وابستگی رفتار به آن امتیاز می‌شود. این جاست که باید روش‌های حفظ رفتار وارد عمل شوند. (ادامه‌ی ماجرا را در کتاب‌های روان‌شناسی تربیتی بخوانید!)

۵۵ در رفتارگرایی، روش‌هایی هم برای کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب پیش‌بینی شده است. از میان این روش‌ها می‌توان به: خاموشی، محروم کردن، جریمه کردن، جبران کردن و تنبیه اشاره کرد. درک تخصصی از هر یک از این مفاهیم، به کاربرد درست آن‌ها کمک خواهد کرد.

۵۶ حرکت از سمت انگیزش بیرونی به سمت انگیزش درونی، مستلزم آگاهی‌های بیشتر توأم با احتیاط در تغییر روش‌هاست. در گام‌های اول، استفاده از تدابیر متمرکز به گروه توصیه می‌شود. تشویق دانش‌آموزان به همکاری - به‌جای رقابت - و مشارکت دادن آن‌ها در جریان آموزش، از یک‌طرف موجب افزایش حس همدلی می‌شود و از طرف دیگر عزت‌نفس را بالا می‌برد.

استفاده از روش‌های چالش، مانند بحث گروهی و مطالعه‌ی مشارکتی (یا روش طلبگی) و مباحثه، دانش‌آموزان را به‌جای مقابله با یکدیگر، با یادگیری درگیر خواهد کرد. معلم می‌تواند با تدابیری، رقابت را به مسابقه تبدیل کند و یا حداقل رقابت‌های فردی را به رقابت گروهی - البته توأم با احتیاط - تغییر دهد. مبنای همه‌ی این روش‌ها، حداکثر اجتناب از مقایسه است.

۵۷ در انگیزش درونی می‌توان از تدابیر متمرکز بر فرد هم استفاده کرد. یک روش رایج با عنوان «تلاش فردی» یا «مسابقه با خود» شناخته می‌شود. دانش‌آموز را در مسیری قرار دهید که موفقیت‌هایش را با خودش بسنجد و برای بروز حداکثر توانایی‌هایش تلاش کند.

روش «یادگیری اکتشافی» را می‌توان هم به‌طور گروهی به کار برد، هم به‌طور فردی. درگیر ساختن دانش‌آموزان با مسائل علمی جذاب، به آنان فرصت بیشتری می‌دهد که به جای لذت بردن از نمره و رقابت، از یادگیری لذت ببرند. پیشرفت درسی و تحصیلی، لزوماً به معنای لذت بردن از یادگیری نیست. اما وقتی شرایطی به‌وجود می‌آید

که دانش‌آموز از یادگیری و دانستن لذت ببرد، احتمال پیشرفت درسی هم افزایش خواهد یافت.

۵۸ ربط دادن موضوعات درسی به مسائل جاری زندگی و همچنین ایجاد فرصت‌هایی برای کاربرد آموخته‌ها، به انگیزش درونی بسیار کمک می‌کند. دانش‌آموزان چیزهایی را بهتر و آسان‌تر یاد می‌گیرند و به یاد می‌آورند که به کار ببرند. معلم می‌تواند در موضوع درسی، دانش‌آموزان را راهنمایی کند تا جنبه‌ها یا نکات سودمند و قابل کاربرد را کشف کنند.

۵۹ روش ارزش‌یابی نیز می‌تواند موضوعی انگیزشی باشد. روش‌های هنجاری و مقایسه‌ای ارزش‌یابی، انگیزش بیرونی را تأیید می‌کنند. استفاده از روش‌های ملاکی و روش‌های توصیفی به معنای توجه به انگیزش درونی است. اگر ارزش‌یابی توصیفی به شیوه‌ای درست اجرا شود، می‌تواند اثر انگیزشی مثبت داشته باشد.

۶۰ یک نکته‌ی ظریف در انگیزش، کنترل احساسات است. نمونه‌هایی از رفتارهای هیجانی و احساسی در انگیزش عبارتند از:

- پیش‌داوری در مورد دانش‌آموزان؛
- رفتارهای تبعیض‌آمیز و دوگانه؛
- اغراق در تعریف و تمجید از یک موفقیت؛
- نادیده گرفتن تلاش‌ها و موفقیت‌ها؛
- داشتن ملاک‌های صرفاً شخصی برای تشویق و تنبیه؛
- ایجاد جو شدید رقابتی در کلاس؛
- افراط در اعمال تنبیه به شکل‌های گوناگون. ✓

تشویق و تنبیه، انگیزش و رقابت

۶۱ مبنای رقابت، مقایسه است. مقایسه‌ی انسان‌ها با یکدیگر با اصل تفاوت‌های فردی و یگانگی هر انسان منافات دارد. وقتی دو نفر به رقابت می‌پردازند، در واقع به مقایسه‌ی توانایی‌ها و اثبات برتری‌هایشان اقدام کرده‌اند. زمانی که دانش‌آموزان را برای رقابت